**نام مقاله: تجسس اطلاعات**

**نام نشريه: فصلنامه كتابداري و اطلاع رساني (اين نشريه در www.isc.gov.ir نمايه مي شود)**

**شماره نشريه: 37 \_ شماره اول، جلد 10**

**پديدآور: نادر سبكتكين**

**مترجم:**

 **چكيده**

**اطلاعات كاركردي دوگانه و كاملاً متناقض دارد و چون شمشيري دو دم از يكسو به عنوان مظهر انديشه و خلاقيت ناشي از ايجاد و بيان پيوندي خارج از عرف ميان امور تلقي مي‌شود و مرزهاي ناشناخته دانش را در مي‌نوردد و به عرضة ايده و رهيافتي به غير از اشكال و نمودهاي متعارف منجر شده، دستماية زايش اطلاعات آتي است. و از سوي ديگر، بيانگر روابط و مناسبات جديد و ابزاري براي تفوّق و توانمندي و بهانه‌اي جهت اثبات حقانيت و حفظ اريكة قدرت و متعاقب آن تضعيف، تمسخر و به چالش‌وا داشتن طرف مقابل است.**

**كليدواژه‌ها: اطلاعات مغاير، تجسّس اطلاعات**

**مقدمه**

**اطلاعات به دليل پاسخ به ابهامها و ارضاي حسّ كنجكاوي كه خود نيازي متأثر از سرشت انساني است، از چنان شأن و جايگاهي برخوردار است كه هيچ رقيب يا جايگزيني را نمي‌توان براي آن تصور نمود. بخصوص در عصري كه تصميم‌سازي و سودمندي هر اقدامي منوط به دانسته‌هاست، تكريم و پاسداشت منزلت اطلاعات به مثابة حربه‌اي جهت مقابله با نادانسته‌ها و عدول از حريم ناامن ترديد و ناكامي است. با اين‌ حال، اطلاعات كاركردي دوگانه و كاملاً متناقض دارد و چون شمشيري دو دم از يكسو به عنوان مظهر انديشه و خلاقيت ناشي از ايجاد و بيان پيوندي خارج از عرف ميان امور تلقي مي‌شود و مرزهاي ناشناخته دانش را در مي‌نوردد و به عرضة ايده و رهيافتي به غير از اشكال و نمودهاي متعارف منجر شده، دستماية زايش اطلاعات آتي است. و از سوي ديگر، بيانگر روابط و مناسبات جديد و ابزاري جهت تفوق و توانمندي و بهانه‌اي براي اثبات حقانيت و حفظ اريكة قدرت و متعاقب آن تضعيف، تمسخر و به چالش‌ واداشتن طرف مقابل است. كشورهاي برخوردار به منظور تثبيت موقعيت ممتاز خود و به عنوان حربه‌اي در جنگ رواني با ساير ملل و براي نيل به مقاصد عمدتاً سياسي، به وفور به اين شيوه‌ها متوسل مي‌شوند. (وارد[2]، 2003) به‌خصوص اينكه فناوري با توسل جستن به كليه سيستمها، ابزارها و راهكارها چنان با همه ظرفيتها و قابليتهاي خود به ياري اطلاعات شتافته است كه بشر در هيچ برهه‌اي يافته‌هاي خود را كه سر منشأ عزم و جزم و مبادرت به هر اقدامي است، تا بدين سان مشحون و متأثر از آن نيافته است .**

**اطلاعات مغاير[3]**

**در فرايند اطلاع‌رساني، اطلاعات مغاير، نقيض يا خلاف واقع ، بهره‌برداري نامتعارف و غيراصولي و در تقابل با جريان عادي اطلاعات و به قصد نيل به اهداف خاص است، زيرا كه بر خلاف قصد اوليه پديد آورندگان اطلاعات كه عمدتاً براي شفاف‌سازي و رفع ابهام امر يا پديد‌ه‌اي و متعاقب آن به نيت رشد و بالندگي گروه‌هاي هدف مي‌باشد، به هر نوع جرياني كه به نقض غرض بانيان آن منجر شود و باعث ترديد، به شبهه افكندن، تخدير و يا تحميق مخا طب گردد و به تحريف مطالب و از جمله ، صرف‌نظر يا حذف نمودن، كم اهميت جلوه‌‌‌دادن بخشي و يا برجسته نمودن بخش ديگر و يا گزينش موردي اطلاعات بينجامد، اطلاعات مغاير گفته مي‌شود. به عبارت ديگر، به هر نوع اقدامي كه جهت سوء استفاده و بهره‌جويي فريبكارانه و نا بجا از اطلاعات و به منظور توجيه و محق جلوه دادن خود و به منظور نيل به اغراضي خاص صورت پذيرد، اطلاعات مغاير گويند.**

**از رويكردي ديگر نيز مي‌توان اين موضوع را در فرايند دريافت اطلاعات، به هر نوع دسترسي نادرست و خلاف قاعده معمول و مرسوم كه با استفاده از ابزارها و شيوه‌هاي خلاف اخلاق و جهت حصول به نيات غير خيرخواهانه و برتري طلبانه انجام مي‌شود، اطلاق نمود. البته، مفهوم فناوري اطلاعات چنان با فن‌آوري ارتباطات در يكديگر تنيده شده كه وقتي سخن از اطلاعات به ميان مي‌آيد، ناخودآگاه وسايلي چون رايانه، ماهواره، تلفنهاي همراه و ... در ذهن تداعي مي‌شوند. گرچه دسترسي به اطلاعات محرمانه و بعضاً طبقه‌بندي شده در موارد مختلف نمودها و مصداقهاي متفاوتي دارد و با توسل به شيوه‌هاي متفاوتي صورت مي‌پذيرد (استوارد[4]، 1918) ولي بي‌شك يكي از جلوه‌هاي مورد نكوهش و ناپسند آن دسترسي به اطلاعات شخصي و از طريق استراق سمع[5] است و منظور از آن گوش فرا دادن به محاورات و گفتگوهاي خصوصي بين افراد و با استفاده از وسايل و تجهيزات الكترونيكي است[6]. شايد اشاره به دهكدة جهاني قبل از آنكه گوياي كوچك شدن جهان و به مدد فناوري اطلاعات و ارتباطات باشد، اشاره به پايمال شدن بديهي‌ترين حقوق شهروندي و تجاوز به حريم خصوصي اشخاص است كه در آن ناشناخته بودن و يا حداقل در خلوت خود بودن و به خود پرداختن، متجلي ساختن و بيان مكنونات خود، چون كيميايي نايافتني است. گو اينكه اصولاً در فرايند اطلاع‌‌يابي، نا شناخته بودن تضميني جهت استفاده از همه ظرفيتها و قابليتها در دستيابي بي‌واسطه به اطلاعات بدون دغدغه از دخالت دولتها به حريم شخصي است (نيجبوير[7]،2004). فناوري اطلاعات و ارتباطات به عنوان محور توسعه گرچه افقهاي نويني را بر روي بشر گشوده و سبب ايجاد فرصتهاي برابر آموزشي و خدمات آگهي‌رساني مستمر در اقصي نقاط عالم شده است، ولي بزرگترين موهبت بشري را كه به او ارزاني شده است ـ يعني حق برخورداري از آزاديهاي فردي و حقوق مدني ـ سخت به مخاطره افكنده است. وضعيتي كه بر مبناي آن حق آزادي از سوي خالق به انسان اعطا شده است، نيازمند مراقبتي دائمي است و نقض آن كه پيامد تقصير و سزايي ناشي از قصور انسان است، بي‌درنگ وي را به بند مي‌كشد. (كاران[8]،2000). انساني كه مدتها جهت كسب آزادي و رهايي از يوغ استثمار و استعمار جانفشانيها كرد و مرارتهاي بسياري برخود هموار نمود و براي پاسداشت و اهتراز از دست اندازي اغيار، مشتقهاي زيادي را به جان خريد؛ اكنون شاهد اغماض و به سخره گرفتن مرموزانه و مزورانه بسياري از حقوق طبيعي خويش است. ايجاد بستري جهت سلب و يا تضعيف آزاديهاي فردي كه ناشي از به صحنه آوردن و محك‌زدن تجارب جديد است، فرجامي بس ناگوار براي وي به ارمغان خواهد آورد. خودبيني و خوي برتري طلبي انسان تا بدانجاست كه برخي در روياي دست يافتن به نسل جديدي از سلاحهاي ساخته شده از پرتوهاي امواج مايكرويو و يا الكترومغناطيس، استفاده از نمونه‌هاي انساني و صرف نظر كردن از نمونه‌هاي حيواني يا آزمايشگاهي و يا شبيه‌سازي رايانه‌اي را قابل توجيه مي‌دانند. (ولش[9]، 2005). در رزمگاهي كه هر دوي نيروهاي متخاصم خودي هستند، نشانه رفتن از هر سو و به هر هدفي، مويه بر پيكر بيجان انساني خواهد بود كه هنوز در ترديد چگونه زيستن است. در حالي كه نيل به دستاوردهاي علمي در ساية كوشش جهت نكوداشت و عدم تعرض به حقوق فردي و مدني، قابل تقدير و تمجيد است. سخن گفتن از تضاد آن دو و حاكميت مطلق علم تا مرز نابودي و يا معلوليت انسان تأمل برانگيز است (ولش،2005).**

**سيطرة الكترونيكي[10]**

**گرچه بهره‌مندي از وسايل و تجهيزات الكترونيكي حيات بشر را سخت متأثر ساخته و باعث گشوده شدن افقهاي جديد فراروي انسان شده است، ولي از سويي موجبات تجاوز و تعرض را به حقوق فردي مهيا نموده و دستاويزي براي استراق سمع اطلاعات و تفحّص مخفيانه در امور افراد است؛ واقعيتي كه از آن به عنوان سيطرة الكترونيكي ياد مي كنند كه قاعدتاً بخشي از آن ناشي از وجود اشكال و نقصان در سيستمهاي ارتباطاتي و مخابراتي است. كدام عقل سليمي است كه هنگام استفاده از رايانه و بخصوص اتصال به اينترنت، متوجه حضور نيرويي كه در تعامل با شما پاسخهاي هوشمندانه‌اي كه ماوراي ماشين و ابزار آلات مرسوم است، نشده باشد. كدام ذهن نكته سنجي است كه هنگام استفاده از ماهواره، حضور نيروي مرموزي را كه سعي دارد جهان‌بيني خاصي را القا و ايجاد شبهه نمايد و قصد رسوخ اطلاعات مغرضانه به اذهان را دارد، را انكار كند. تا جايي كه برخي از اين برنامه‌ها انحصاراً و تنها براي شخص شما پخش مي‌شوند، ولي با اعمال مديريتي زيركانه متوجه نخواهيد شد. فرض كنيد در حالي كه تلفن همراه خود را به همراه داريد، در حال سخن گفتن با دوستي جهت مسافرت و يا خريد اتومبيل هستيد. به هنگام اتصال به اينترنت، آگهي‌هاي متنوعي را خواهيد ديد كه حاكي از پيشنهاد به مسافرت به كشوري يا خريد اتومبيل خاصي است . اين امر قبل از آنكه ناشي از بخت و تصادف باشد، گوياي نظارتي پيگير و رندانه است. نگارنده يقين دارد كه هر يك از شما بارها اين موضوع را تجربه نموده‌ايد. آيا ابتلا به بلاي شانس و اقبال پنداشتن حاكي از ترديد در فراست ماست و يا مؤيدي بر ذهن مشغولي ما نسبت به حجم انبوهي از اطلاعاتي است كه در اين كلاف سردرگم تشخيص سره را از ناسره دشوار مي‌سازد.**

**با به‌كارگيري فناوري نانو الكترونيك در مدارها و سيستمهاي الكترونيكي و معرفي نسلهاي جديدي از وسايل و تجهيزات، شاهد ابعاد پيچيده‌تري از تجسس الكترونيكي هستيم. بي‌جهت نيست كه شركت يا شركتهايي واقع در كشور هم قاره‌اي كه داراي فناوري وارداتي است و وابستگي فرامرزي آن بر كمتركسي پوشيده است، اجازه مي‌يابد كه به ظاهر گوي سبقت را از ساير رقباي تجاري خود بريابد و با ترفندهاي عوام‌پسند و گاه فريبانه و با ارائه تخفيفها و تسهيلات ويژه و تنوع بخشيدن و افزودن قابليتهاي جديد به محصولات خود، به هر كوي و برزني رسوخ نمايد و بازار كشور را تسخير كند و به دور از چشم ساير رقبا سود سرشاري را نصيب خود سازد. شايد يكي از علل آن گريز از عواقب و خيم و پيگرد قانوني ناشي از همين امر است.**

**اچلون1**

**گرچه برخي دولتها براي تثبيت و استمرار حاكميت جهاني خود سازمانهاي امنيتي و اطلاعاتي بسياري را به‌وجود آورده‌اند، ولي بي‌شك يكي از نمودهاي بارز آن شبكه الكترونيكي شنود اطلاعات موسوم به «اچلون» است.**

**اين شبكه كه در بحبوحة جنگ جهاني دوم از سوي نيروهاي متفق و در تقابل با نيروهاي متخاصم جهت كشف رمز پيامهاي مخابره شده آنها بنا شده بود، در سال 1946 ميلادي با به وجود آمدن بلوك شرق متشكل‌تر شد و بر مبناي توافق حاصل شده از سوي پنج كشور مؤسس آن، كلية محاورات و مكالمات سيمي و بي‌سيم طرف مقابل استراق سمع مي‌شد و بعدها پس از فروپاشي بلوك شرق، قدرت خود را تحكيم بخشيد. اكنون با در اختيار داشتن ماهواره‌هاي عظيم تجسّسي و سامانه‌هاي زميني كه در اقصي نقاط پراكنده شده‌اند، كليه ارتباطهايي را كه از طريق ماهواره، امواج الكترومغناطيسي و يا مايكرويو و فيبر نوري صورت مي‌پذيرد، مي‌توان در اختيار گرفت و سپس آنها را از طريق سيستمهاي شناسايي صوت و پيام پردازش و بازاريابي نمود (پول2،2000).**

**اگر در گذشته نظارت افراد با محدوديتها و استفاده ازفنون وتجهيزات تجسسي خاصي ميسر مي شد و تنها در مورد برخي ار شخصيتها و مقامهاي برجسته‌اي چون رهبران مذهبي، كارگزاران حكومتي، مراكز وابسته سياسي و فرهنگي و برخي از انديشمندان و نخبگان سياسي و اجتماعي اعمال مي‌گرديد، اكنون تهديدي بالقوه عليه كليه آحاد جامعه است و همة شؤون و جنبه‌هاي حيات را تحت‌الشعاع قرار داده است؛ گرچه به نظر مي‌رسد كه بعضي از افراد شاغل در برخي حرفه‌ها بيشتر مورد تهديد قرار دارند (آتكينسون3،1999). در چنين وضعي چشم‌پوشي از آنچه امنيت روحي و رواني بشر را به مخاطره افكنده است و تشويش و دلمشغولي وسخن راندن از ويروسها و جاسوس افزارها كه امنيت فايلها را به خطر انداخته‌اند، ساده انديشانه و مضحك است ( كاگريو[11]، 2003).**

**همان‌گونه كه در صيانت از كيان ملي از خردنگري پرهيز و به كل تماميت ارضي نگريسته مي‌شود، جايز نيست كه در اين خصوص به جاي پرداختن به امنيت كلان كشور، به امور حاشيه‌اي و كم اهميت دلخوش نمود كه اين چيزي جز در راستاي مطالع و مصالح آناني كه جز به تخدير و تحميق ملتها نمي‌انديشند، نيست، زيرا اگر تعرض به حريم خصوصي افراد دغدغه مشترك همه انسانهاست، نگراني از به مخاطره افكندن اقتدار و عزت ملي نيزكم اهميت تر از آن نيست. گرچه زيان و آسيب‌ ناشي از بزرگنمايي كمتر از كتمان واقعيت نيست، قدر مسلم اين است كه در وراي تحقيقاتي كه صورت مي‌پذيرند و به اطلاع عموم رسانده مي‌شوند، پژوهشهاي راهبردي بسياري در پس پرده به نتيجه مي‌رسند و عملاً به كار گرفته مي‌شوند. در اين اثنا، هر چه اطلاعات حاصل از تحقيقات محرمانه‌تر تلقي مي‌شوند، حفاظت از آن هم شديدتر صورت مي‌گيرد (سورينسون[12] ،2004). كه جز تضعيف آزاديها و تضييق حقوق فردي و مدني دستاورد ديگري نخواهد داشت. براي مثال، فناوري عالي و پيشرفته‌اي موسوم به آواي بي‌صدا[13] قادر است ذهن انسان را به طور ناخودآگاه متأثر سازد. اين سيستم القاي رواني، با ملزم ساختن ذهن به درك پيامهاي ارسالي، آن‌ را به واكنش و پذيرش پيامها تشويق مي‌كند. تصور كنيد هنگام مشاهدة برنامه‌هاي تلويزيوني دريافتي از ماهواره، پيامي پنهاني و مستور شما را به پذيرش آنچه بيان مي‌شود، ترغيب نمايد و يا در فروشگاهي كه در حال خريد هستيد، در وراي موسيقي كه پخش مي‌شود، پيامي نهاني از شما مي‌خواهد كه از سرقت اجناس اجتناب ورزيد. اين شيوه، در مناقشة خليج فارس و براي ترغيب نيروهاي دشمن به تسليم، با موفقيت استفاده شد (تيلتون[14]، 1996) .**

**به نظر مي‌رسد چرخة نسبتاً كاملي است؛ از طرفي پيام ارسال مي‌شود و از طرف ديگر با دريافت بازخورد، پيامهاي آتي مطلوب‌تر و دلپذيرتر فرستاده مي‌شوند. بدين صورت، حاميان و مشتاقان بيشتري جهت متقاعد ساختن افكار عمومي به تأييد وضع موجود براي در مضيقه افكندن هرچه بيشتر ودايع طبيعي كه اتفاقاً صيانت از آن بر ذمّة عموم است، مي جويند .**

**نتيجه‌گيري**

**گرچه استفاده از اطلاعات جهت بهره‌مندي از منافع مادي و غير مادي حاصل از آن خوشايند و گواراست، استفاده ابزاري از اطلاعات براي تهاجم و استحالة فرهنگي كه عمدتاً به قصد براندازي است، سخت‌ ناگوار و تلخ مي باشد. آراسته شدن به زيور اطلاعات راهبردي و متعاقب آن، رو آوردن به علوم و دانشهايي كه قادرند در استحكام و تقويت اركان ملي نقش‌آفرين باشند و توجه به زيرساختهاي علومي نظير الكترونيك و گرايشهاي آن و از جمله الكترونيك زيستي[15] جهت گشودن جبهه‌اي جديد وراي جبهه‌هاي رايج و سنتي، ضروري است، زيرا برخلاف نبرد فيزيكي، جدال الكترونيك كارزاري از راه دور با دستاوردهايي به مراتب شگرف‌تر و بدون به جاي گذراندن كمترين تلفاتي به نيروهاي مهاجم است كه با وارد نمودن لطماتي جبران‌ناپذير، مقدمه استحاله و فروپاشي تدريجي را فراهم خواهد كرد.**

**گرچه مقابله با اين امر عزمي ملي و اقدامي فراگير و برخاسته از همكاري و تعاون كليه اقشار و نهادهاي جامعه را مي‌طلبد، ولي نبايد از نقش تشكلهايي چون «شوراي عالي فن‌آوري» و «كميسيون راهبردي پژوهش» براي تعيين اولويتها و ضرورت اتخاذ شيوه‌هايي متناسب با امكانات و قابليتهاي كشور غافل شد. به هر حال، كار آمدترين شيوة مواجهه با چنين امري، اتخاذ راهكارها و ابزارهاي مشابهي است كه در راستاي تداوم تلاش در سوء استفاده از آن وجه ناپسند و مذموم و غيرقابل توجيه از اطلاعات جهت خدشه دار نمودن آزاديهاي فردي و متعاقب آن به مخاطره افكندن كيان ملي به كار گرفته مي‌شوند.**

**منابع**

**- Atkinson, J.m (1999). “Warning Signs. of Covert Eavesdropping or Bugging” . [on line] Available: http://www.tscm. com/warning signs. html.**

**- Coggrave, F. (2003). “Bugged by Spyware”. Managing Information, 10 (10):46 -47.**

**- Curran,J,p. (2000). “25 Rules of Dislinformation”.[on line] Availabe: http://www. matriots. com/bh/25.html.**

**- Nijboer,J.(2004).”Big Brother Versus Anonymity on the Internet:Implications for Internet Service Providers , Libraies, and Individuels Since 9/11.” New library World, 1203 (105): 256 -261.**

**- Poole, p.s. (2003). “Echelon”. [on line] Available: http//fly. hiwaay. Net/ ~ pspoole/ echelon. htm.**

**- Severinsson, J. (2000) . “ No Compromise on Security at Halton Borough Council”. New library world , 1158 (101):269 -270.**

**- Steward, D. (1988). “Spy Technic” [on line] Available: http://www. bugsweeps. com/info/spytech. html.**

**- Tilton,E(1996), “Mind Control with Silent Sound”. [on line] Available: http://apfn. org/ apfn/electronic. html (Accessed: Apr.1, 2006)**

**- Ward, (2003). “ Managing Disinformation”. Managing Information, 2(10): 28 -29.**

**- Welsh, C.(2005). “ Human Research Subject Protections for National Security Experiements”. [on Line] Availabe: http:// mindjustice. org/ humprot2 -06 . htm.**

**--------------------------------------------------------------------------------**

**1. عضو هيئت علمي گروه كتابداري دانشگاه خليج فارس.**

**1. Ward**

**2. Disinfomation**

**1. Steward**

**2. Eavesdropping**

**3. Bugging**

**4. Nijboer**

**1. Curran**

**2. Welsh**

**3. Electronic shadow**

**1. Coggrave**

**2. Severinson**

**3. Silent Sound**

**4. Tilton**

**1. Bioelectionics**